

## بسم الله الرحمن الرحيم

سلسله نشست های بصیرت افزایی با موضوع: تحلیل تطبیقی تاریخ ایران معاصر جلسه چهارم مورخ ۹۸/۱/۲۸

### استاد سخنران: حجت السلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی

عرض کردیم که نیروهایی که در تحولات سیاسی اجتماعی ایران ایفای نقش می کنند چهار نیرو هستند: نیروی دولت-دین- روشنفکری و نیروی بیگانه

در جلسه گذشته راجع به نیروی بیگانه و به طور خاص امریکا بحث شد در جلسه امروز در مورد نیروی دولت، صحبت می کنیم. دولت در این بحث به معنی قوه مجریه نیست بلکه به معنای سامانه اداره جامعه، یعنی اعم از قوه مجریه و شامل همه قوا و همه دستگاه هایی می شود که در اداره جامعه نقش دارند. در زمینه ی دولت، به دو سوال جواب می دهیم:

سوال اول اینست که در ایران تاکنون دولت چه الگوهایی داشته است؟ و سوال دوم اینست که ماهیت دولت در ایران چیست؟

بعد از انقلاب اسلامی الگوی دولت، الگوی جمهوری اسلامی است که زیرمجموعه مردم سالاری دینی قرار می گیرد اما قبل از انقلاب اسلامی چه الگو و مدلهایی در اداره کشور داشتیم یعنی از چه مدل هایی به جمهوری اسلامی رسیدیم؟!

در قبل از انقلاب اسلامی و در طول تاریخ ایران می توانیم از سه مدل اداره کشور یاد کنیم مدل اول سلطنتی متکی به خود، مدل دوم سلطنتی مشروطه و مدل سوم سلطنتی دیکتاتوری متکی به بیگانه است.

در مدل سلطنتی متکی به خود، معمولاً پادشاهان اول با زور به قدرت می رسیدند و پادشاهان بعدی قدرت را به ارث می بردند تقریباً هم حالت قبیله ای داشتند. مانند صفوی ها که مجموعه قبایل بودند.

پادشاهی های سلطنتی استبدادی، متکی به خود و به قبیله خودشان بودند لکن از اواسط قاجاریه، سلطنت در ایران، اتکا به بیگانه پیدا کرد یعنی دخالت بیگانگان در امور ایران، از اواسط دوره قاجاریه و از جنگ های ایران و روس، شروع شد.

ایران و روسیه دو جنگ داشتند که یکی به معاهده گلستان و دیگری معاهده ترکمنچای منجر شد. در این دو معاهده، عباس میرزا که ولیعهد ایران بود، یک ماده واحده ای وارد معاهده می کند که روس ها تعهد بدهند از ولایتعهدی وی حمایت کنند، روس ها نیز پذیرفتند. لذا از این برهه تاریخی به بعد، دخالت بیگانگان در امور ایران آغاز شد. وابستگی پادشاهی ایران از اواسط قاجاریه به روس ها بیشتر شد تا دوران ناصرالدین شاه که نیرویی به کمک روس ها نام نیروی قزاق ایجاد گردید که رضا میرپنج از همین نیروهای قزاق بود و بعداً رضا شاه پهلوی شد!

پس به مرور سلطنت استبدادی متکی به خود تبدیل به سلطنت استبدادی متکی به دولت های بیگانه شد.

بعد از مشروطه، ایران ۱۴ سال (۱۲۸۵-۱۲۹۹ ش) دچار ناامنی می شود که ۲ میلیون از ۱۰ میلیون جمعیت ایران در اثر قحطی، وبا، گرسنگی و بیماری های مختلف، از بین رفتند.

ایران در جنگ جهانی اول به اشغال در آمد. گندم ایران را برای نیروهای بیگانه میبردند در حالیکه خود ایرانی ها چیزی نداشتند بخورند.

در ۱۳۰۴ پس از کودتایی که توسط انگلیسی ها انجام شد رضا پهلوی به پادشاهی رسید و سلسله پهلوی تاسیس شد. بنابراین سلسله پهلوی اولین حکومت پادشاهی است که تماما متکی به بیگانه است.

رضاخان چطور به پادشاهی رسید؟ رضاخان طی ۴ سال، انقدر کارهای مذهبی انجام داد که خیلی ها طرفدارش شدند. بزرگترین دسته عزاداری تهران را رضاخان راه انداخت. رضاخان شخصا در دسته عزاداری شرکت می کرد و به سینه زنی می پرداخت. همینطور به کمک انگلیسی ها شیخ خزعل را در خوزستان سرکوب و امنیت را برقرار کرد. اینگونه برای او محبوبیت درست شد. از نظر وابستگی به بیگانگان سلسله پهلوی بدترین سلسله پادشاهی در ایران است.

در انقلاب اسلامی مردم شعار می دادند استقلال، آزادی... استقلال یعنی نفی اتکا به بیگانه، آزادی یعنی نفی استبداد و دیکتاتوری. فرق استبداد و دیکتاری اینست که استبداد دخالتش در زندگی شهروندان حالت سنتی و محدود دارد اما در نظام دیکتاتوری، امکانات دخالت در زندگی مردم زیاد می شود مثلا سیستم آموزش پرورش، پلیس رادیو، تلویزیون و... که به همه شوون مردم کار دارد. در انقلاب اسلامی وارد الگوی جدیدی در اداره امور کشور شدیم.

جمهوری یعنی متکی به مردم است اسلامی است یعنی براساس اسلام اداره می شود.

در جریان ملی کردن نهضت نفت امام (ره) توصیه ای فرمودند: "هرگاه به شما گفتند می خواهیم نفت را ملی کنیم شما بگویید ما اسلام را می خواهیم اگر اسلام بیاید نفت هم ملی میشود." لذا هر وقت شما را به چیزی دعوت کردند که مشترک بین اسلام و غیر آن است بگویید ما اسلام را می خواهیم چون در اسلام همه چیز هست.

بحث دوم: ماهیت دولت در ایران

ماهیت دولت را هم از منظر علمای اسلام و هم از منظر دانشمندان غیراسلامی، می شود بحث کرد.

در بحث اسلامی می شود از نظر فقها، متکلمین و فلاسفه به دولت نگریسته شود که ما در اینجا به بحث نظر فقها در مورد دولت می پردازیم. فقها، دولت را با تکیه بر مفهوم عدل و ظلم تقسیم می کنند؛ یعنی دولت ظالم و دولت عادل. در واقع ملاک فقها همیشه عدل و ظلم بوده است و کارآمدی دولت را نیز براساس عدل و ظلم، تعیین می کردند.

دولت کارآمد حکومتی است که عدل را تحقق ببخشد و حکومت ناکارآمد، حکومتی است که برود به سمت ظلم. در جمهوری اسلامی تمامی اهتمام و تلاش این بود که حکومت برود به سمت تحقق عدالت و کاهش فاصله طبقاتی.

امام (ره) در کتاب البیع جلد دوم در بحث ولایت فقیه می فرماید: لازم است طلاب جوان به مردم نشان بدهند که اسلام آمده است برای ایجاد حکومت عدل.

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردند و یکی از اهداف کلیدی بیانیه گام دوم انقلاب زمینه سازی، تأکید و ارائه راهکار برای تحقق عدالت در جامعه، است.

سوال ۱: شما درباره عباس میرزا صحبت فرمودید اما می شد اشاره ای به خدمات او هم می فرمودید و سوال دیگر اینکه آیا علت انتخاب عباس میرزا به عنوان ولیعهد، علاقه فتحعلیشاه به عباس میرزا، نبود؟

پاسخ: عباس میرزا از شاهزادگان خوشنام در ایران هست اما این خوشنامی در حدی نیست که شایسته تقدیر و تشکر باشد. ایشان همیشه نگران این بود که نکند برادران دیگر ولیعهدی را برابند. این قدرت طلبی نقطه ضعف او بود والا دلیلی نداشت که پای بیگانگان را در قرارداد باز کند که شما از پادشاهی من حمایت کنید! چه ربطی به بیگانگان دارد.

اما سوال دوم که مطلب صحیحی است و در بعضی کتابها نوشته شده که عباس میرزا از فرط علاقه فتحعلیشاه به وی به ولایت عهدی انتخاب شد؛ لکن حقیقت امر اینست که وقتی نتوانستند در برابر دخالت روس ها در انتخاب ولیعهد مقاومت کنند این توجیه را مطرح کردند که اینک عباس میرزا رقبای زیادی داشت و برادران وی اصلا با او همکاری نداشتند و این مسئله در تاریخ آمده است بنابراین می شود نتیجه گرفت که عباس میرزا با قدرت روس ها، به ولیعهدی در آمد..

سوال دوم: آیا اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان به لحاظ دیپلماتیک کاردرستی بود؟ آیا تاثیر مخربی بر دشمنی ها و خباثت های امریکا علیه ایران نداشت؟

در قرآن کریم، خداوند متعال یک اصولی را برای ما بیان کردند که اگر ما به این اصول پایبند باشیم، همیشه پیروزیم. یکی از این اصول در سوره ممتحنه است که میفرماید کفار دو نوع هستند کفاری که با شما در دیتان می جنگند و شما را از سرزمینتان بیرون می کنند و کفاری که این کارها را نمی کنند. این مطلب، ملاک عمل ماست. میفرماید با آن کفاری که با شما در دیتان می جنگند و هیچ رابطه ای نباید داشته باشید و آنها دشمن شمایند. اما با آن کفاری که اینکار را نمی کنند می توانید براساس برّ و قسط و عدالت ارتباط داشته باشید.

امریکا پشت سر رژیم غاصب صهیونیستی ایستاده، امریکا بوده که علیه مصدق کودتا کرده و شاه را برگرداند. کاپیتولاسیون را در ایران تصویب کرد و امام به خواست امریکا، تبعید شد. پس امریکا هم در دین ما جنگ دارد هم در اشغال سرزمین های اسلامی .

شما مطمئن باشید اگر سفارتخانه اشغال نمی شد آن کودتاهایی را که بعدا با قطع رابطه با ایران انجام دادند، بیشتر انجام میدادند ما باید به آیه اشدا علی الکفار رحماء بینهم- که از ویژگی کسانی است که به پیامبر اقتدا می کنند- عمل نماییم.

تنها راه مقابله با نظام سلطه، ایستادگی و مقاومت است. از طرف دیگر خدای متعال میفرماید جایی که به شما ظلم شود، می توانید پا را از چارچوب ها فراتر بگذارید. ان الله لا یحب الجهر بالسوء من القول الا من ظلم

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

والسلام علیکم و الرحمه الله و برکاته